

نقد و بررسی شیطان پرستی

حمید رضا مظاهری سیف

مظاهری سیف، حمیدرضا، ۱۳۵۷ -
نقد و بررسی شیطان پرستی / تألیف حمیدرضا مظاهری سیف.

قسم: عصر آگاهی، ۱۳۹۰
۸۴ ص.

--- ریال: 9-22-6289-600-978 ISBN:

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه به صورت زیر نویس.
۱. شیطان پرستی - نقد و تفسیر. الف. عنوان.

۲۶۱/۲۱

ن ۶ م ۴۸۰/ BL ۷



نقد و بررسی شیطان پرستی

مؤلف: حمیدرضا مظاهری سیف
تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه
چاپ: اول، ۱۳۹۰
صحافی: نویس
ناشر: عصر آگاهی
قیمت: ۲۵۰۰ تومان

شماره مرکز پخش: ۷۸۳۵۸۲۴ - ۲۵۱ • ۰۹۱۹۸۶۸۲۵۶۰

WWW.Behdashtemanavi.com

فهرست عناوین

۸		سر آغاز شیطان پرستی
۱۱		شیطان گرایی بدوی
۱۴		شیطان گرایی در قرون وسطا
۱۸		شیطان گرایی مدرن
۲۴		ارزش های شیطان گرایان
۲۵		قدرت و جادو
۳۳		آزادی
۳۵		دانش
۳۹		عزت
۴۱		خلاقیّت
۴۲		لذت
۴۴		علل گرایش به شیطان گرایی
۴۵		فطرت ناکام

- ۴۸ شیطان درون
- ۵۱ مثال موسیقی اعتراض
- ۶۳ نمادسازی وسیع و ترویج آن در حوزه فرهنگ عمومی
- ۷۰ مدل زندگی نامناسب و میل به اعتراض
- ۷۵ هیجان
- ۷۷ برآیند پژوهش
- ۸۰ منابع

مقدمه

شیطان از روی تکبر در برابر آدم سجده نکرد و به این خاطر تمام جاه و جلال خویش را در محضر خداوند از دست داد، از این رو کینهٔ انسان را به دل گرفت و به خاطر احساس حقارت در برابر انسان در صدد برآمد تا ماجرای سجده را برعکس کند و فرزندان آدم را به پرستش خویش وادارد. واقعیت این است که شیطان تا حدودی موفق بوده و از حادثهٔ رانده شدن حضرت آدم از بهشت و ارتکاب قتل قابیل تاکنون موفقیت‌هایی داشته، به طوری که در فرهنگ‌های مختلف و ادوار گوناگون تاریخ حتی آشکارا مورد پرستش قرار گرفته است.

امروز هم که بشر به گمان خود در اوج تمدن و پیشرفت زندگی می‌کند و به عقل و دانش خویش می‌بالد، شیطان توانسته نام خود را بلندآوازه کند و آشکارا مردم را به سوی پرستش خود فرا بخواند. ویژگی شیطان پرستی

روزگار ما این است که به طور گسترده‌ای از هنر و رسانه استفاده کرده و برای تأیید خود دنیایی پر از ظلم و فساد را به رخ می‌کشد، به این ترتیب شیطان را قدرت مطلق و فاتح ستیز میان خیر و شر معرفی می‌کند. شیطان پرستی مدرن، ریشه در ادوار گذشته این سنت داشته و آموزه‌ها و آیین‌های آن را در خود جای داده است و از جهت نسبتی که با نهاد سیاست و اقتصاد برقرار کرده از صورت‌های پیشین شیطان گرایی متمایز می‌شود.

سرآغاز شیطان پرستی

شیطان گرایی بدوی، شالوده‌ای خرافی داشته و به نوعی انحراف از مسیر تعالیم پیامبران گذشته بوده است. ادیان ابتدایی که پیامبران الهی برای بشر می‌آوردند، مثل ادیان ابراهیمی در راستای پیوند میان مادی و معنوی زندگی انسان بودند. پیامبران می‌کوشیدند تا دست خلاق و روزی‌بخش خداوند را در چرخه این زندگی طبیعی آشکار سازند و از این رهگذر مسیر رشد و تعالی انسان را بگشایند.

به دنبال تعالیم انبیاء، مردم کشت و زرع، باران و آفتاب و سایر نمودها و پدیده‌های طبیعی را نشانه‌ای از

پروردگار و لطف و رحمت او می دانستند و همواره می کوشیدند تا با ایمان، نیایش و آیین های معنوی، رحمت و برکت او را در زندگی خود جاری سازند. اما گاهی خشکسالی می شد، یا آفتی تمام تلاش آنها را از بین می برد؛ در این مواقع به جهت انحراف از تعالیم پیامبران کم کم معتقد شدند که همیشه تدبیر جهان به دست خداوند بخشوده و مهربان نیست، بلکه گاهی اوقات نیروهای شر و شیطانی هم دست در امور جهان دراز می کنند و بر سود و زیان انسان مسلط هستند.

باور به این که شر و شیطان مستقلاً منشأ قدرت و اثر در عالم است، به باورهای ثنوی و دوگانه گرایی در الوهیت و ربوبیت انجامید، مردم گمان کردند که با نیایش خدای خیر و رحمت به تنهایی منافعشان تأمین نمی شود و لازم است که نیروهای شر را هم ستایش کنند و برای تعظیم و تجلیل شیطان نیز برنامه ها و آیین هایی داشته باشند؛ تا به این ترتیب از اراده شوم شیطانی در امان بمانند. از این رو دست به اعمال شیطانی می زدند، جشن های باروری می گرفتند و در آن زنان و مردان بی مهابا به هم می آمیختند و موسیقی های محرک جنسی

نواخته (دهکده های جادو، ص ۳۲۵ - ۳۲۴) و با قربانی کردن انسان ها و کودکان خون شان را تقدیم شیاطین می کردند. (نک: ویل دورانت، ص ۶۲)

به تدریج در کنار دین که راه نیایش و پیوند با خداوند بود، جادو پدید آمد. سحر و جادو، دانش و آیین ستایش شیاطین و ارتباط با آنها را می آموخت. بنابراین در تمدن های اولیه دو جریان شکل گرفت یکی جریان پیامبران بود که می کوشیدند با عقل و وحی مردم را به راه راست هدایت کنند و دیگری جادوگران و ساحرانی بودند که می کوشیدند راه خود را توجیه کنند، سحر و جادو را با الهامات شیطانی به صورتی قانونمند، کارآمد و توجیه پذیر درآورند.

جادوگری نه تنها به دین تنه می زد و خود را با آن می آمیخت، بلکه برای توجیه و کارآیی خود گزاره هایی را تولید می کرد که به دانش شبیه بود و به این خاطر با علم هم آمیخته شد. (تاریخ و فلسفه، علم ص) به این ترتیب از یک سو پیامبران برای رشد معرفتی انسان ها و شناخت نشانه های آفریدگار حکیم و مهربان، طبیعت و قوانین آن را به بشر می آموختند و استفاده از گنجینه های

طبیعت را به مردم آموزش می دادند، از سوی دیگر شیاطین نیز قانونمندی هایی را مطرح کرده و بشر را فریفته علوم و نیروهای جادویی می کردند. (تفسیر المیزان، ج ۱ ص)

پیامبران نخستین، مثل حضرت شیث و ادریس (هرمس، که بعدها خدای حکمت شناخته شد) و نوح، عقل و دانش را انعکاس انوار خداوند و شالوده الهی آفرینش معرفی می کردند، (رک. هرمس و سنت هرمسی، بخش اول) و اسرار علوم و فنون به عنوان مطالعه آیات خداوند در کتاب آفرینش پذیرفته شده بود. (هزمتیکا، ص ۹۳ - ۹۵)

از سوی دیگر علوم سحر و جادو و پاره ای از قوانین طبیعت که نیروهای جادویی را به دست می داد در زمان حضرت سلیمان از سوی بنی اسرائیل فرا گرفته شد. (بقره/۱۰۲) اما بعدها قدمت سحر و جادو و شیطان پرستی را به انوخ (Enoch) که نام عبری حضرت ادریس است باز گردانند. (The Demonic Bible.p86) و شیطان پرستی از این گونه دروغ ها پر است.

شیطان گرایی بدوی

مطالعات تمدنی (ویل دورانت، ص ۸۱ - ۷۸) و